

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد
۰۶ دسمبر ۲۰۱۹

عصیان خیابان‌ها

جوش‌های اعتراضی جوانان و توده‌های ستمدیده علیه بی‌عدالتی‌های چهار دهه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، این‌بار و هم‌زمان با سه برابر کردن بزمین توسط دولت "اعتدال"، فضای جامعه ایران را زیر و رو و شهرها را به میدان رودروئی معترضان و سرکوبگران امپریالیستی تبدیل کرده است. توده محروم و ناتوان از تهیه نیازهای ابتدائی زندگی و همچنین جوانان فاقد آینده روشن، به خیابان‌ها سراریز شده‌اند تا عدالت و برابری را بر فضای جامعه اشغال شده حاکم گردانند. شهرها یکی پس از دیگری به درگیری‌های خیابانی تبدیل شده و این‌بار ترس و وحشت سران رژیم جمهوری اسلامی را صد چندان کرده است.

در حله نخست گفتنی‌ست که ظهور چنین رخدادهایی در درون جامعه و خیابان‌ها، اولین بار نبوده و نیست و در گذشته‌های نچندان دور به اشکال متفاوت با آن‌ها رودرو بوده است، در ثانی دودلی نیست که تولیدگر و علت اصلی عصیان جوانان و مردم در خیابان‌ها، به اتخاذ سیاست‌های استثمار و سرکوبگرانه سردمداران رژیم وابسته به امپریالیسم بر می‌گردد. در واقع جامعه ایران در چهار دهه حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم، نظاره‌گر هزاران اعتراض و اعتصابات کارگری و توده‌نی، برخاستن زنان علیه حجاب اجباری و دیگر سخت‌گیری‌ها و تبعیضات جنسیتی، اعتراض ادامه‌دار دانشجویان علیه سیاست‌های رذیلانه و سرکوبگرانه‌ای همچون "آئین‌نامه‌های انضباطی" و حضور نیروهای نظامی در میدان دانشگاه‌ها و غیره بوده است. تابه حال سرکوب و اعمال سیاست‌های خشن و عریان از زمره وظایف اصلی سران حکومت را تشکیل داده و در مقابل هم، علی‌رغم بگیر و ببندها و شکنجه‌های پیوسته، کارگران، زحمت‌کشان، زنان، دانشجویان و جوانان یک لحظه از طرح مطالبات‌شان باز نمانده‌اند. به عبارت دیگر و به یقین می‌شود گفت که تاریخ و ورق‌های اعتراضی و مبارزاتی میلیون‌ها انسان دردمند، از زمان بر سر کار گماری سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، آکنده از ایستادگی و مقاومت، و همچنین حاوی آموزش‌ها و دستاوردهای غنی و گرانبه‌است؛ آموزش‌ها و دستاوردهائی که نمود آن‌ها را می‌شود من‌حیث‌المجموع، در اعتراضات اخیر مردمی و جوانان در سرتاسر ایران به عینه رؤیت کرد. افزون بر این‌ها پیداست که قواعد خیزش‌های اعتراضی خلاف دوره‌های پیشین، تغییر یافته و آورنده روش و تاکتیک متناسب با قانون‌مندی‌های حاکم بر جامعه است. خوشبختانه این‌بار تعرض جای دفاع جای نشسته است و جوانان در ابعاد هم‌گیرتر و بی‌پاکتر، در تقابل با مدافعان مسلح مناسبات امپریالیستی به صف شده‌اند. ابعاد جنگ و گریز و به آتش کشیدن دم و دستگاه‌های سرکوبگر نظام در همین چند روزه، به نوبه خود

حکایت از بالندگی و رشد جنبش رهایی در خیابان‌ها دارد؛ جنبش و خیابان‌هایی که سرزنده‌تر از قبل، ندای مقابله عملی با ارگان‌های حافظ بقای امپریالیستی را سر داده‌اند و در زمانی کوتاه، آن را به منش و به روش اعتراضی خود تبدیل کرده‌اند.

ناگفته نماند که به موازات خیزش‌های مردمی و جوانان، قواد و سران متفاوت نظام هم در کنار تعرض افسار گسیخته، مستمراً اعتراضات بحق مردمی و جوانان را به "اشرار" و به "بیگانگان" نسبت می‌دهند. خط و نشان کشیدن‌ها و گسیل نیروهای مسلح به خیابان‌ها هم، به تم اصلی گفتار و کردار عناصر جانی هم‌چون «خامنه‌ای»، «روحانی» و دیگر ایادی رژیم جمهوری اسلامی تبدیل گشته است. به طور مثال «خامنه‌ای» در حول و حوش اعتراضات مردمی در جمع نیروهای بسیج و سرکوبگر گفته است: "تهدیدهای زیادی [در پیش رو] داریم" و در ادامه جوانان و توده ناراضی از وضعیت معیشت فلاکت‌بار را "لشکر دشمنان"، "تخریب‌گر"، "شرور" و "آدمکش" مورد خطاب قرار داده است! «روحانی» رئیس جمهور معتدل نظام هم پیرامون اعتراضات اخیر گفته است: "با اغتشاش‌گران برخورد خواهد کرد". آری به تصور حاکمان ایران، جامعه معترض از بی‌عدالتی‌های موجود، "تخریب‌گر" و "شرور" به حساب آمده و می‌باید با تمام قواء و با تجهیزات مدرن و نظامی به جانش افتاد؛ می‌باید جوانان را وحشیانه از خیابان‌ها پس زد و امنیت دلخواه سرمایه‌داران را برقرار کرد. هرزه‌گوئی و تهدیدهایی که جنبش‌های اعتراضی در این چهار دهه بدان‌ها عادت کرده و آشناست.

مردم و جوانان از دست سرمداران نظام جمهوری اسلامی کلافه‌اند و جامعه از نبود آزادی‌های اولیه سیاسی و تورم اقتصادی در حال ترکیدن است، آن‌وقت غاصبان و سرکوبگران اعتراضات بحق مردمی و جوانان را، به "لشکر دشمنان" و امثالهم نسبت می‌دهند! تابه حال حاکمان آدمکش هزاران نفر را در درون زندان‌ها مثله کرده‌اند؛ کارگران را به دلیل بازخواهی حقوق‌های معوقه‌شان در ملاءعام به شلاق بستند؛ در میادین متفاوت و آن‌هم به بهانه‌های واهی به جان قربانیان نظام امپریالیستی افتاده‌اند تا اراده انسانی و ندای آزادیخواهی را در درون خفه کنند. حقیقتاً غارت و تعرض وحشیانه چهل ساله به حقوق زنان، بالا کشیدن دست‌مزدهای ناچیز کارگران و تعرض به کودکان، قطع دست و پای قربانیان سیستم و مناسبات امپریالیستی، جامعه ایران را به جامعه مرگ تدریجی برای رنج‌دیدگان و جوانان تبدیل کرده است. مگر بی‌دلیل مردم و جوانان به خیابان‌ها سرازیر - شده و - می‌شوند و خواهان حقوق پایمال شده خود از جنایتکارانند؟ مهم‌تر از همه این‌ها، مگر بی‌سبب است که شدت اعتراضات به مرحله تازمتر و بالاتری شیفت کرده است و خیابان‌ها به نبرد اصلی و پایانی تبدیل شده است؟ اضافه بر این‌ها مگر بی‌علت است که ترس و وحشت، سرپای سران نظام را فرا گرفته است و فرمان حمله گسترده‌تر را به ارگان‌های سرکوب و اراذل و اوباش صادر می‌کنند؟

به طور خلاصه و در پاسخ به پرسش‌های فوق باید گفت که علت آن‌ها، به تنگدستی، به نابرابری‌های حاکم بر جامعه، به خالص‌تر شدن و همچنین به تازمتر و رادیکالیزم‌تر شدن صف اعتراضات مردمی و جوانان بر می‌گردد. اگرچه نظام تا به حال توانسته است به یمن ارگان‌ها و نهادهای سرکوبگرش، خواسته‌های بحق آنان را به عقب برگرداند، اما هرگز نتوانسته است افکار و روحیه مخالفت‌جویانه و تعرضی جوانان را پس زند. دهه شصت، حمله گسترده و وحشیانه‌ای را به درون زندان‌ها سازمان داده است و خیل عظیمی از کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفان را از دم تیغ گذراند؛ دهه هفتاد، به خوابگاه دانشجویان یورش برده است و مرتکب فاجعه‌ای هولناک در درون دانشگاه‌ها شده است؛ دهه هشتاد، به مبارزات ۲۰ روزه مردمی حمله‌ور شد و بار دیگر به خوابگاه‌ها و از جمله به خوابگاه‌های دانشگاه امیرکبیر یورش برد، و خلاصه دهه نود، - جدا از تداوم روزمره اعتراضی و سرکوب‌های کارگری و توده‌ئی -، مولد دو مرحله مبارزاتی بالنده در دیمه‌[جدی] ۹۶ و به ویژه اعتراضات مردمی و جوانان در آبانماه [عقرب] ۹۸ - بوده و - می‌باشد؛

مراحل و دورانی که علی‌رغم فقدان سازمان هدایتگر و سالم، دربرگیرنده تجارب ارزشمند، و نیز پویایی و خیز بر داشتن اعتراضات مردمی و جوانان به مرحله بالاتر است.

به هر حال سوی اول قضیه، یعنی کار و بار و سیاست نظام در برابر مطالبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میلیون‌ها کارگر، زحمتکش، زنان، جوانان و کودکان روشن است و نه تنها کمترین تغییری در سیاست‌های نظام متصور نیست، بسا که در مسیر دهشتناکتری در پیش است. چپاول، استثمار طاقت‌فرسا، حمایت از سرمایه‌داران و قطع ابتدائی‌ترین نیازهای زندگی و همچنین سهل‌انگاری‌های ممتد در مدارس مخروب و تلف شدن کودکان محروم و غیره، به رویه و به سیاست روزمره و جا افتاده سران نظام تبدیل شده است. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی تاکنون و در عمل نشان داده‌اند که در چهارچوب سیاست‌های امپریالیستی و در پاس‌خگویی به خواست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، کمترین کوتاهی از خود به خرج نداده و با شدت تمام، در پی اجرای قدم به‌قدم آنان‌اند. در مقابل سوی دوم قضیه هم، یعنی اوضاع زندگی و کار و بار میلیون‌ها انسان دردمند و آن‌هم به عنوان سازندگان اصلی جامعه، روزبه‌روز وخیم‌تر و دردناک‌تر شده است. پس آشکار بود که چنین وضعیت و جامعه‌ای بردوام نخواهد ماند و سر از عصیان، و سر از رودرروئی با حامیان مناسبات کنونی در خواهد آورد؛ عصیان‌هایی که نماد آن‌ها را می‌شود در دیماه [جدی] دو سال قبل، و همچنین در آبانماه [عقرب] امسال رویت کرد. براستی می‌توان گفت به‌همان میزانی که موج اعتراضات مردمی و جوانان بالا رفته است، به میزانی به مراتب بالاتر، نظام با سیاست خشن‌تر و عریان‌تر وارد صحنه شده است. بی‌شک پیدایی چنین مقوله‌هایی به معنای آن است که نه بالائی‌ها - و علی‌رغم فشار و تهدید و سرکوب ادامه‌دار - قادر به حکومت‌داری و کنترل جامعه‌اند، و نه پائینی‌ها حاضر به تمکین و سازش با سردمداران رژیم جمهوری اسلامی‌اند. چرا که تنش سیاسی، اعتراضی و شکاف طبقاتی به بالاترین حد ممکنه رسیده است و در این بین و به طور یقین، تکلیف و جواب یک سؤال روشن است و آن این‌که، اعتراضات کنونی با هر عاقبتی رودررو شود، جانی برای بازگشت به دوران گذشته، باقی نگذاشته است. این وضعیت را هم سران متفاوت رژیم می‌دانند و هم جامعه و جنبش‌های اعتراضی، بر موقعیت و بر جایگاه خویش آشنا شده‌اند. پس عیار و وزنه جنبش‌های مردمی و جوانان بلند و بالا شده است و مجال و میدانی برای عقب‌نشینی و پس‌گرد نیست. در حقیقت جنبش‌های اعتراضی مردمی و جوانان به این درجه از آگاهی دست یافته‌اند که زمان تصفیه‌های سیاسی به سر رسیده است، و زمانی بیش از این برای حکومت‌مداران ایران قائل نیستند. بدین ترتیب تکالیف دو سوی جامعه نوشته شده و به در خانه حاکمان ایران و نیز میلیون‌ها انسان دردمند، به میادین تولیدی، اجحاف، استثمار و سرکوب رفته است.

به همین دلیل است این روزها گوشه‌ای از سرزمین ایران را نمی‌توان یافت که در آن، از تنش و از رودرروئی دو طرف قضیه به دور باشد. نظام به اشکال گوناگون زد و در این وسط "رهبر" هم، فرمان تعرض وسیع‌تر و گسترده‌تر را به ارگان‌های سرکوبگرش صادر می‌کند؛ در مقابل هزاران جوان و توده معترض و آن‌هم بدون کمترین امکانات مقابله‌ای، اما با انبانی از خشم و نفرت، هماهنگ خیابان‌ها را به میدان تصفیه حساب‌های سیاسی با سرکوگران و سران نظام تبدیل کرده‌اند. رژیم این‌بار هارتر از گذشته و با گستاخی تمام، سر و بدن انسان‌های معترض به بی‌عدالتی‌های موجود را نشانه می‌گیرد، تا بنای زوار در رفته و لرزانش را در امان نگه دارد. تابه حال ده‌ها تن را کشته و صدها نفر را مجروح و هزاران تن دیگر را دستگیر کرده است تا جوانان را از خیابان‌ها پس زند؛ کاملاً بُو بُرده است که این بار صداها رساتر، خواسته‌ها روشن‌تر، و با اهمیت‌تر از همه این‌ها، سیاست مقابله‌ای با ارگان‌های سرکوبگر نظام جمهوری اسلامی، به رویه اعتراضات توده‌ای و جوانان ایران تبدیل شده است. تردیدی نیست که چنین انتخاب سیاسی، ریشه در سیاست‌های سرکوبگرانه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی دارد؛ ریشه در فقر و تعرض به معیشت توده‌ها،

ریشه در بی‌خانمانی و در بیکاری میلیون‌ها توده محروم و جوانانی دارد که نظام به آنان تحمیل کرده است. مسلم است که سرمایه‌داران جهان غرق در بحران‌اند و همه تلاش‌شان بر آن است تا بار بحران روزافزون‌شان را به توده‌های محروم و ستمدیده سرشکن کنند. در پرتو چنین حقیقتی‌ست که مردم و جوانان ایران به مانند دی‌ماه [جدی] ۹۶، اما خلاف دوره‌های پیشین مولد باغستان کرج، به آتش کشیدن اماکن چهل و سرکوب، بانک‌هایی همچون صادرات، ملت، سپه و به اضافه فروشگاه کورش وابسته به سپاه پاسداران و دیگر نهادهای استثمار و تعرض نظام‌اند.

خلاصه این‌که خیابان‌های ایران در بُعد وسیعی شاهد جدال دو سوی قضیه است. بدین ترتیب آن‌چه را که می‌توان از وضعیت کنونی آموخت، آن است که اعتراضات مردمی و جوانان، تغییر شیف‌ت داده و رادیکال‌تر از گذشته شده است؛ در مقابل تقلأ و سرکوب نظام هم عریان‌تر، بی‌پروا‌تر و خشن‌تر شده است؛ پس نیاز است تا به موازات عصیان و جنبش‌رهایی خیابان‌ها، سوی سوم قضیه و آن‌هم در تجمعات و در دسته‌های سازمانیافته، ساختمان‌ها و تجمعات سرکوبگر را با منطق زور انقلابی نشانه گیرند و زمینه‌های پیشرفتِ بیش از پیش جنبش‌های اعتراضی کارگری، توده‌ای و جوانان را در چهار گوشه ایران فراهم سازند. به این علت که در نظام‌های سرمایه‌داری سراپا مسلح و خشن، حرف اصلی و آخر را سازمان مسلح توده‌ای و خیابان‌ها خواهند زد؛ تنها در پرتو تاکتیک منطبق با قانون‌مندی حاکم بر جامعه است که می‌توان آزادی و رهایی انسان‌ها را از زیر یوغ مناسبات امپریالیستی تضمین نمود.

بنابراین جدا از همراهی و پشتیبانی از اعتراضات مردمی و جوانان، باید آگاه بود که خیابان‌ها بدون آگاهی کمونیستی و بدون تصویری روشن از سیاست‌های مکرآمیز امپریالیستی، از بازستانی حقوق لگدمال شده‌شان باز خواهند ماند. به طور یقین تجارب بسیار غنی در این عرصه موجود است که نشان از ناموفقی عصیان‌های خیابانی دارند. پس‌گرد هزاران اعتراض خیابانی از امریکا و افریقا گرفته تا اروپا و آسیا مؤید این نظر است که بدون حضور و بدون هدایت سازمان کمونیستی، جنبش‌های خیابانی با هر میزان و ابعادی پس زده خواهند شد. در یک کلام جامعه ایران نیاز به آن دارد تا پرچم سازمان متشکل و با برنامه کمونیستی و آن‌هم به همراه جنبش‌های اعتراضی مردمی - جوانان، به اهتزاز در آید و مانع بردوامی بیش از این سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بر اریکه قدرت گردد.

خواست حقیقی و حقوق میلیون‌ها انسان دردمند و جوانان در بستر چنین سیاست و ستراتیژی متحقق خواهد شد. پس عصیان و جنبش خیابانی را می‌شود با عروج سازمان مدافع میلیون‌ها کارگر، زحمتکش، زنان، جوانان و کودکان، علیه دم و دستگاه‌های سرکوبگر نظام و آن‌هم تا سر حد سرنگونی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و در آینده‌ای نچندان دور جشن گرفت. در چنین صورتی است که خیابان‌ها ثمره خواهند داد و جامعه از شر تمامی مصائب دست‌ساز نظام وابسته به امپریالیسم نجات خواهد یافت.

۵ دسمبر ۲۰۱۹

۱۴ آذر [قوس] ۱۳۹۸